

آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۶/۲۳

تاریخ تأیید: ۹۳/۰۸/۱۸

علی اصغر ستوده^۱

جعفر خزائی^۲

چکیده

در طی چند دهه اخیر اسلام‌گرایی به یکی از محوری‌ترین تحولات در جهان امروز تبدیل شده است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران و ارائه‌ی الگوی نظام سیاسی - دینی در مقابل لیبرال - دموکراسی غربی پتانسیل‌های اسلام‌گرایی هر چه بیشتر آشکار شد. با شروع تحولات اخیر در خاورمیانه (انقلاب‌های عربی) این فرصت به وجود آمد که نظام سیاسی ج.ا. ایران به عنوان یک جایگزین مناسب برای نظام‌های خودکامه خاورمیانه مطرح شود؛ اما این فرصت با رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه که از طرف کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مورد حمایت قرار می‌گیرند، با چالش مواجه شده است. این نوشتار محور کار خویش را آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری قرار داده است. از این رو پرسش بنیانی این است گسترش جریان‌های تکفیری چه تأثیر بازدارنده‌ای بر رشد اسلام‌گرایی در منطقه و جهان خواهد داشت؟ رشد جریان‌های تکفیری از دو بعد اساسی فرایند اسلام‌گرایی را با چالش مواجه خواهد نمود، نخست قطبی‌سازی جوامع اسلامی بر اساس تقابل شیعه و سنی و دیگری کاهش مشروعیت و مقبولیت اسلام‌گرایی به عنوان یک جایگزین در مقابل لیبرال دموکراسی، این پژوهش در راستای رفع چالش جریان‌های تکفیری فراروی اسلام‌گرایی راهکارهایی ارائه نموده که در قالب دو راهکار دیپلماسی ارتباطات گسترده میان گروه‌ها و کشورهای اسلامی، و مقابله با گسترش جریان‌های تکفیری قابل بررسی است. واژگان کلیدی: اسلام سیاسی، انقلاب اسلامی، جریان‌های تکفیری، قدرتهای جهانی، قدرتهای منطقه‌ای.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

۲. کارشناس ارشد مطالعات اروپا، دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی مفاهیمی است که طی چند دهه گذشته شکل گرفته است. این جنبش در واکنش به نفوذ فرهنگ و اندیشه‌ی غربی با شعار به مرکز آمدن دین در امور دنیا و به خصوص امر حکومت‌داری رشد نموده است. از جمله متفکران این حوزه می‌توان به سید جمال‌الدین اسدآبادی، کواکبی، عبده، سید قطب، مودودی و امام خمینی^(ه) اشاره کرد. امام خمینی با عینیت بخشیدن به حکومت اسلامی فرایند اسلام‌گرایی را وارد مرحله جدیدی نمود. در واقع اسلام سیاسی، اصطلاح جدیدی است که در برابر اسلام سنتی پدید آمده است و به دنیای مدرن تعلق دارد (بهرروز لک، ۱۳۸۶: ۴۷). با شروع انقلاب‌های عربی در خاورمیانه این دیدگاه به وجود آمد که فرایند تکامل اسلام‌گرایی با یک فرصت در جهان و منطقه روبرو شده است. با ادامه تحولات، این روند متأثر از نفوذ منفی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند یک شمشیر دولبه عمل نمود. به رغم اینکه بخشی از این جنبش‌ها متأثر از جریان‌های اسلام‌گرا بود، بعضی از کشورهای منطقه که دارای نظام پادشاهی محافظه کار هستند، تا حد زیادی توانسته‌اند زمینه رشد گروه‌های تکفیری - افراطی را فراهم نماید.

تکفیر کردن را اولین بار خوارج علیه دیگر مسلمانان به کار بستند. در واقع تکفیر‌گرایی، مساله نسبتاً جدید الحدوث و خطرناکی بود که این تیمیه (۱۲۶۳-۱۳۲۸م) آن را در آغاز دعوت خویش تئوریزه و بسط داد و در نهایت، به اصول فکری گروه‌های سلفی راه یافت. در دوران جدید محمد بن عبدالوهاب مفهوم تکفیر را وارد ادبیات سیاسی - دینی نمود. وی محدوده‌ی تکفیر را شامل مسلمانان و غیرمسلمانانی که همچون او نمی‌اندیشیدند، می‌دانست. به نظر وی مسلمانانی که غرق در پرستش سنت‌ها و زیارت مقابر (شیعیان) شده‌اند دچار شرک هستند (Zeidan, 2001: 30). امروزه، جریان سلفی‌گری به اعتبار این شاخصه، «تکفیری» نامیده می‌شود (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۹۹). از جمله این گروه‌های تکفیری می‌توان به گروه‌های النصره، داعش (دولت اسلامی شام و عراق) و القاعده در سوریه و عراق اشاره نمود. این گروه‌ها علاوه بر بوجود آوردن بحران در سوریه و عراق، به دنبال دو قطبی نمودن جهان اسلام در قالب تقابل شیعه و سنی هستند که در صورت وقوع این امر، روند اسلام‌گرایی در منطقه و جهان اسلام با یک چالش جدی مواجه خواهد شد.

این نوشتار با بررسی آسیب‌شناختی بدنبال پاسخ به پرسش اساسی زیر است: گسترش جریان‌های تکفیری چه تأثیر بازدارنده‌ای بر رشد اسلام‌گرایی در منطقه و جهان اسلام خواهد داشت؟ رشد جریان‌های تکفیری از دو بعد اساسی فرایند اسلام‌گرایی را با چالش مواجهه خواهد نمود، نخست قطبی‌سازی جوامع اسلامی بر اساس تقابل شیعه و سنی و دیگری کاهش جذابیت اسلام‌گرایی به عنوان یک جایگزین در مقابل لیبرال دموکراسی. این پژوهش در راستای اهداف و سوال محوری خویش در ابتدا اسلام‌گرایی را از نظر مفهومی، مؤلفه‌ها و سیر تحول تاریخی مورد بررسی قرار خواهد داد و در ادامه چگونگی شکل‌گیری جریان‌های تکفیری و آسیب‌های آن را فراروی اسلام‌گرایی در بطن این رویدادها مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در پایان راهکارهایی در راستای مبارزه با این چالش‌ها ارائه خواهد شد.

بخش اول: تحول تاریخی - مفهومی

مفهوم اسلام‌گرایی

در دنیای معاصر با قرائت‌های متعددی از اسلام روبرو هستیم. قرائت‌هایی مانند اسلام سنتی، حرکت اسلامی، بنیادگرایی اسلامی، بیداری اسلامی، رادیکالیسم اسلامی و اسلام سیاسی. این تکرر حاکی از برداشت‌های مختلف و وجود گروه‌های متفاوت اسلام‌گرا در جوامع اسلامی است (جمشیدی راد و محمود پناهی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). اسلام سیاسی گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد، به عبارتی در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود. مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است (سعید، ۱۳۷۹: ۲۰). یکی از مهم‌ترین کسانی که این مفهوم را در شکل عام آن به کار برده جان اسپوزیتو است. وی معتقد است: «اسلام سیاسی عبارت است از احیا یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی» (اسپوزیتو، ۱۳۸۹: ۲۲). به عبارتی، اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی معتبر جدید برای تغییرات مثبت تعریف می‌گردد و

«اسلام راه حل است» شعار اصلی آن است. در این دیدگاه، مسلمانان به اسلام به عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادت می‌نگرند و آن را متفاوت با سکولاریسم دولتی موجود در کشورهای اسلامی می‌دانند. این شعار بیشتر در کشورهای شنیده می‌شود که اسلام‌گرایان در براندازی رژیم کشورهای خود مشارکت دارند؛ همچنین در کشورهایی که قادر به توسعه اهداف خود، از طریق مشارکت در داخل سیستم سیاسی موجود، بوده‌اند (Ehteshami, 1994: 9). هر چند اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی از منظر بعضی از اندیشمندان مفاهیمی یکسان پنداشته می‌شوند، اما اسلام سیاسی مفهومی است که در طی چندین دهه گذشته به اسلام‌گرایی اطلاق شده است که مطابق با واقعیت نیست. زیرا اسلام در ذات خویش یک دین سیاسی است و با توجه به شمولیت و جامعیت دین اسلام، سیاست جزئی از برنامه‌های دین اسلام بود. در صورتی که اسلام مورد نظر اسلام سیاسی، دینی است که در قرون اخیر سیاسی شده است. در واقع، یکی از ابعاد اسلام، مضاف بر ابعاد معنوی آن، این است که با طرح ایده‌های نوین توانسته به عنوان بدیلی برای ایدئولوژی‌هایی همچون ناسیونالیسم، سوسیالیسم و لیبرال سرمایه‌داری مطرح شود. اسلام همچنین با طرح موضوع مشروعیت الهی به عنوان منبع مشروعیتی غیر از منابع مشروعیت عرفی، توانسته است رقیبی جدی برای حکومت‌های عرفی ظاهر گردد. با نگاهی به تاریخ و بررسی منظومه‌ی فکری و عملی اسلام، برنامه‌ها و دستورالعمل‌هایی برای همه‌ی ابعاد و شئون حیات مادی، معنوی، فردی و اجتماعی انسان مشخص می‌گردد. در واقع آنچه که در این پژوهش مد نظر است جریان اسلام‌گرایی بوده که متفاوت از مفاهیمی همچون بنیادگرایی یا رادیکالیسم اسلامی، اسلام سنتی و اسلام سیاسی است.

سیر تاریخی اسلام‌گرایی

فهم مفهوم اسلام‌گرایی، نیازمند درک اندیشه‌ها و آموزه‌های متفکرین عمده و اثرگذار آن است. جریان اسلام‌گرایی به رهبری اندیشمندان و عمل‌گرایان مسلمان در دوران معاصر به ویژه پس از فروپاشی نظام دوقطبی، از جمله محورهای چالش برانگیز در نظم نوین جهانی بوده است. اسلام‌گرایی در وجوه مختلف ایدئولوژی، فرهنگی و امنیتی سیستم سرمایه‌داری لیبرال را به چالش کشیده این جریان با دعوی نظم نوین برای اداره جهان و ترسیم آینده روابط بین‌الملل در

سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی و نیز حل عادلانه منازعه‌ها و اختلافات عمیق دارد. سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، سید محمد رشید رضا، عبدالرحمن کواکبی، حسن البنا، ابوالعلا مودودی، ابولحسن ندوی، سید قطب، و امام خمینی از جمله رهبران اسلام‌گرایی در دوران معاصر بوده‌اند (جمشیدی راد و محمود پناهی، ۱۳۹۱: ۱۲۹) که در ذیل اندیشه‌های سه شخصیت برجسته این جریان، سید قطب، ابوالعلا مودودی و امام خمینی به ترتیب تاریخی مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا سیر تاریخی این مفهوم مورد شناسایی قرار گیرد.

سید قطب: سید قطب نویسنده، روزنامه‌نگار، منتقد و ادیب مصری، بعدها با بر عهده گرفتن رهبری معنوی اخوان المسلمین و طرح اندیشه‌های جدید، به عنوان یکی از رهبران اسلام‌گرایی مطرح شد. به نظر وی، جهان در لبه‌ی پرتگاه قرار گرفته است و هیچ یک از ایدئولوژی‌های سیاسی، اعم از ناسیونالیسم، سوسیالیسم و لیبرال سرمایه‌داری نمی‌توانند رهبری هدایت بشر را بر عهده داشته باشند. لذا تنها راه نجات بشر توسل به اسلام است از نظر وی: «هم ایدئولوژی‌های فردگرا و هم جمع‌گرا، هر دو شکست خورده‌اند. اکنون نوبت اسلام رسیده است و فرصتی برای امت اسلامی است که نقش خود را ایفا کند» (کوپل، ۱۳۶۶: ۴۳). سید قطب اسلام را دین کاملی می‌داند که نه تنها برای مسلمانان، بلکه می‌تواند برای همه‌ی بشریت نجات بخش باشد. وی سپس برنامه‌ی خود برای از بین بردن جوامع جاهلی و بر پا کردن جوامع اسلامی را تشریح می‌کند: «ما باید به قرآن برگردیم، آن را به کار برده و تعالیم اش را به مرحله‌ی عمل درآوریم... سپس نفوذ و تأثیر جاهلیت را از روح خود بزداییم.» بنابراین نخستین وظیفه‌ی انقلاب، رهایی از مفاهیم و علایق جامعه‌ی جاهلیت است که باید از رأس تا پایه تداوم داشته باشد. پس از طرح این مباحث، سید قطب یکی از مفاهیم کانونی و مهم اندیشه‌ی خود، یعنی جهاد فی سبیل الله را مطرح می‌کند. طرح این آموزه باعث شد تا وی در قامت یک مبارز متجلی شود (همان: ۵۴-۵۶). سید قطب مسلمانان و جوامع اسلامی را به جهادی فراگیر با دنیای جاهلی دعوت نمود، و بر این باور بود که کار دنیا فقط با جهاد انجام خواهد شد. البته باید در نظر داشت که جهاد مد نظر وی با خشونت استالینی متفاوت بود. لو آئی. م صفی در این باره می‌گوید: «سید قطب با وجود دارا بودن عقاید انقلابی، کاربرد خشونت برای تغییر نظام اجتماعی را رد

می‌کرد. به اعتقاد او، کاربرد خشونت برای سرنگونی نخبگان حاکم و گماردن نخبگان اسلامی به جای آن‌ها یک اشتباه و خطای استراتژیک بزرگ است، زیرا اسلام را نمی‌توان توسط دولت بر مردم تحمیل کرد، بدان علت که اسلام در درجه‌ی اول یک سیستم عقیدتی است و سپس نظامی اجتماعی و سیاسی. «لذا سید قطب با تأکید بر مبارزه با نفس و گرایش به ایمان اصیل، خشونت را تنها راه نمی‌داند، زیرا جامعه‌ی جاهلی را با مبارزه و جهاد با نفس و نه خشونت می‌توان از بین برد (صفی، ۱۳۸۰: ۱۷۵).

ابوالعلا مودودی: از متفکرین بزرگ شبه‌قاره‌ی هند ابوالعلا مودودی است. او متولد ۱۹۰۳ م. حیدرآباد هند بود که در نهضت علیه استعمار انگلیس حضوری فعال داشت. در منظومه‌ی فکری مودودی حاکمیت از آن خداست و قانون مشروع نیز قانونی است که مبتنی بر کتاب خدا و شریعت الهی باشد. به نظر مودودی، عبادت در قرآن معنایی بسیار فراتر از آنچه که هست استنباط می‌شود. گاه عبادت در معنای مناسک مذهبی معنا می‌شود، در حالی که در اصل به معنای عبودیت و اطاعت خداوند است. مودودی در مورد واژه‌ی رب نیز می‌گوید، این واژه به معنای اعمال حاکمیت است. از آنجا که حاکمیت از آن خداست، در جوامعی که حاکمیت الهی اعمال گردد، جامعه اسلامی است و در غیر این صورت، جامعه از نوع جاهلی است. لذا این موضوع شاخصی برای تشخیص جوامع از یکدیگر است. از دیدگاه مودودی جامعه‌ی اسلامی بر چند اصل استوار است: اعتقاد به حاکمیت الهی، مشروعیت اقتدار پیامبر، اعتقاد به خلیفه‌اللهمی پیامبر و تأکید بر اصل شورا (کوپل، ۱۳۶۶: ۵۰). در واقع اندیشه‌های مودودی را نیز می‌توان یک مرحله دیگر از فرایند اسلام‌گرایی در جهان اسلام دانست.

امام خمینی: امام خمینی به عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و نظریه‌پرداز ایده‌ی ولایت مطلقه‌ی فقیه، مهم‌ترین اندیشمند سیاسی حوزه‌ی تمدنی ایران و خاورمیانه است؛ ایشان تأثیرات اندیشه‌ای و عملی گسترده‌ای بر دنیای اسلام داشته و منبع الهام بسیاری از جنبش‌های جهان اسلام بوده است. به نظر امام خمینی، دین اسلام برنامه‌ای جامع و کامل است که همه‌ی ابعاد وجودی انسان را در بر می‌گیرد. ایشان معتقد بود: «این معنا را که کسی بگوید اسلام به زندگی

چه کار دارد، این جنگ با اسلام است، این نشناختن اسلام است. اینکه گفته شود اسلام با سیاست چه کار دارد، جنگ با اسلام است» (صحیفه امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴، ۲۰). ایشان برای اثبات این نکته، به تبیین دلایل عقلی و نقلی، از جمله دوران صدر اسلام و سیره‌ی پیامبر^(ص) اشاره و بر وجود بُعد سیاسی در اسلام تأکید می‌نمایند. ایشان سپس به معرفی سه نوع سیاست می‌پردازند: سیاست شیطانی، سیاست حیوانی و سیاست اسلامی (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۲۱۲). در دیدگاه ایشان، مبنای سیاست شیطانی نگرش مادی و منفعت‌طلبانه است که در آن برای رسیدن به مقصود، هر گونه حيله و فریب رواست. اما سیاست حیوانی آن است که همچنان غایت آن مادی است، اما در عمل از حيله و نیرنگ دور است. در نهایت سیاست اسلامی علاوه بر شمولیت بُعد مادی، به طور توأمان دارای بُعد معنوی و الهی نیز هست و لذا تلاش دارد تا سعادت دنیوی و اخروی انسان را تأمین نماید (صحیفه‌ی امام، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۰۵). ایشان با این تقسیم‌بندی، به نقد و ارزیابی حکومت‌های رایج می‌پردازد. امام خمینی نظام‌های لیبرال را از نوع سیاست حیوانی می‌دانند که با لفاظی و به نام مردم بر مردم حکومت می‌کنند. ایشان پس از بحث در حوزه‌ی سلبی، وارد حوزه‌ی ایجابی شده و به معرفی نظام سیاسی اسلامی می‌پردازند. در این نظام سیاسی، بیشتر مناسک اسلامی را که قبلاً فردی و غیرسیاسی انگاشته می‌شد، سیاسی می‌دانست. از جمله این موارد نماز جمعه و حج است که آنها را عملی عبادی - سیاسی به شمار می‌آورد (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۲۱۳)؛ در همین راستا در زمان مبارزات انقلاب اسلامی، مسجد اصلی‌ترین رکن و کانون مبارزات بود. ایشان تأکید ویژه‌ای بر جهاد و مبارزه داشته و قیام در راه خدا را سنتی الهی، امری دینی و شرعی که ترک آن را ترک واجبی از واجبات تلقی می‌کنند. یکی دیگر از مبانی مهم اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی، امکان تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت است و ایده‌ی تعطیلی باب سیاست در دوره‌ی غیبت را رد می‌کنند. بر این اساس ایشان معتقد بود که، ولایت فقیه برای مسلمین هدیه‌ای الهی است که خدا به آنها ارزانی داشته است (صحیفه‌ی امام، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۳۲). به طور کلی دیدگاه امام خمینی نسبت به سیاست بر این مبنا است که سیاست بخشی از برنامه‌های دین اسلام در راستای سعادت اخروی و دنیوی بشر است.

مبانی اسلام‌گرایی

مبانی اسلام‌گرایی را، می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

اعتقاد به ابعاد فراگیر دین: نخست در گفتمان اسلام‌گرایی، دین فقط یک اعتقاد نیست بلکه ابعادی فراگیر دارد و تمامی عرصه‌ی حیات آدمی را در بر می‌گیرد (بهرروز لک، ۱۳۸۶: ۳۹). دیگری اعتقاد به جدا ناپذیری دین از سیاست: اسلام‌گرایی بر تفکیک ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است که اسلام از نظریه‌ای جامع درباره‌ی دولت و سیاست برخوردار است. همچنین به دلیل تکیه بر وحی از دیگر نظریه‌های سیاسی متکی بر خرد انسانی، برتر است (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۷). سوم اعتقاد به تشکیل دولت مدرن بر اساس اسلام: اسلام‌گرایی از تعبیرهای اسلامی برای تبیین و توضیح وضعیت سیاسی جامعه استفاده می‌کند و بازگشت به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی را تنها راه حل بحران‌های جامعه‌ی معاصر به شمار می‌آورد. در واقع، اسلام‌گرایی در پی ایجاد نوعی جامعه‌ی مدرن است که در کنار بهره‌گیری از دستاوردهای مثبت تمدن غرب از آسیب‌های آن به دور باشد (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۸). در پایان نیز اعتقاد به استعمار غرب عامل عقب ماندگی مسلمانان: اسلام‌گرایان عقب ماندگی سیاسی مسلمانان را زائیده‌ی استعمار جدید غرب می‌دانند (الیویه، ۱۳۷۸: ۲۳).

هدف اسلام‌گرایی

هدف نهایی اسلام‌گرایی، بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و در این راه، به دست آوردن قدرت سیاسی مقدمه‌ای ضروری تلقی می‌شود. هواداران اسلام‌گرایی، اسلام را به مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر می‌گیرند که دنیا و آخرت انسان را دربر گرفته و برای همه‌ی حوزه‌های زندگی دستورها و احکامی روشن دارد. اسلام‌گرایی بر خلاف بنیادگرایان و سنت‌گرایان، مدرنیته را به‌طور کامل نفی نمی‌کند بلکه می‌کوشد تا اسلام را با جامعه‌ی مدرن سازگار نشان دهد. البته اسلام‌گرایی جنبه‌های سکولار تمدن غرب را نفی کرده و مشکلات جامعه‌های معاصر را به دوری از دین و معنویت نسبت داده و راه‌هایی از آنها را توسل به ارزش‌های دینی و بازگشت به اسلام می‌دانند (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۷-۱۸).

بخش دوم: بررسی رشد جریان‌های سلفی - تکفیری و تاثیر آن بر فرایند اسلام‌گرایی

در این بخش سیر تاریخی و ریشه‌های جریان‌های سلفی - تکفیری‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس تاثیر این جریان‌ها بر فرایند اسلام‌گرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

ریشه‌های تاریخی

در معنای اصطلاحی واژه سلف به سه قرن نخست حیات امت اسلامی گفته می‌شود. برخی دیگر سلف را صحابه پیامبر اکرم (ص)، تابعین و اتباع تابعین دانسته‌اند. باید یادآور شد که پیشینه بکارگیری واژه سلفیه به سده‌های متاخر اسلامی بازمی‌گردد. پیش از سده هفتم ه. ق، بیشتر با اصطلاحاتی چون «اهل حدیث» یا «اصحاب حدیث» مواجه هستیم. اهل حدیث، عنوان گروهی از عالمان در سده‌های نخست اسلامی است که با وجود تنوع گرایش و روشها در زمینه معارف و اعتقادات دینی، به منابع نقلی و احادیث توجه ویژه‌ای داشته‌اند. واژه اهل حدیث از همان آغاز شکل‌گیری به لحاظ معنایی به گروه‌ها و طیف‌های فکری نسبتاً گوناگون اطلاق می‌شد. در نیمه نخست سده سوم ه. ق، «اصحاب حدیث» با بار معنای پیروان حدیث نبوی مفهومی افتخارآمیز می‌یابد و سنت گرایان برجسته‌ای چون احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه، خود و همفکرانش را اصحاب حدیث می‌خوانند (حیدری، ۱۳۸۸: ۸۸ - ۸۹). احمد حنبل را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ مخالفت‌های اصحاب حدیث با گروه‌های مخالف آن از قبیل جهیمه، قدریه، معتزله، همچنین شیعه دانست. این گروه‌ها از سوی اصحاب حدیث کوفه، بغداد، شام و دیگر بلاد اسلامی، منحرف خوانده می‌شود. از این رو پس از عصر احمد بن حنبل، مولفان اصحاب حدیث و اهل سنت به زعم خود برای بیان انحرافات این گروه‌ها، به اقوالی از احمد بن حنبل استناد کرده‌اند. البته احمد بن حنبل در موضوع عقاید و اصول فکری اصحاب حدیث کتاب ویژه‌ای تالیف نکرده و گفته‌های او از شاگردان و پیروانش نقل شده است. در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم ه. ق، احمد ابن تیمیه (۶۶۱ - ۷۲۸) و سپس شاگرد او ابن قیم جوزی، عقاید حنابله را به گونه‌ای افراطی احیا کردند. ابن تیمیه به احیای تنها اکتفا نکرد،

بلکه به نوآوری هایی در مکتب حنبلی دست زد. از جمله بدعت سفر به منظور زیارت، ناسازگاری تبرک و توسل به انبیا و اولیا با اصل توحید و همچنین انکار بسیاری از فضیلت های اهل بیت (ع). در مسند ابن حنبل آمده بود. این قرائت نو از اندیشه های اهل حدیث و سلفی گری، در برابر مخالفت دانشوران اسلامی یارای مقاومت پیدا نکرد و فروکش نمود (حیدری، ۱۳۸۸: ۸۹ - ۹۰).

آرای ابن تیمیه راهنمای تندروان مسلمان در قرن های بعد شد. برخی او را «پدر معنوی افراط گرایی اسلامی سنی» به حساب می آورند. سرانجام محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان تیمی نجدی (۱۱۱۵ - ۱۲۰۶ ق) با الهام از اندیشه های ابن تیمیه و شاگرد او ابن قیم جوزی و با طرح مجدد بازگشت به اسلام اصیل، اندیشه پیروی از سلف صالح و قرائت افراطی را بار دیگر به عرصه منازعه های کلامی آورد. وی با آنچه که بدعت و خلاف توحید می خواند به مبارزه و تکفیر مخالفان برخاست. او مسلمانان را به سادگی اولیه دین و پیروی از سلف صالح دعوت نمود و مظهر بارز سلف صالح از منظر او، احمد بن حنبل بود. به اعتقاد وهابی ها وهابیت همان مذهب سلف صالح است و از این رو خود را «سلفیه» می نامند (کشاورز، ۱۳۹۱: ۱۳۱). به عبارتی وهابیت یک نوع تفکر سلفی است که در قرن ۱۸ در عربستان ظهور کرد، اما تا مدت ها به همان مناطق بیابانی دارای جمعیت پراکنده شبه جزیره محدود می شد. از دهه ۱۹۷۰ به دلیل افزایش ثروت نفت عربستان، وهابیت رشد چشمگیری در جهان اهل سنت داشته است (عباس زاده فتح آبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۸).

در نهایت سلفیه با اعلام تشکیل جبهه جهانی اسلام برای جهاد با یهودیان و صلیبی ها به رهبری بن لادن عربستانی و ایمن الظواهری مصری، بیش از پیش توجه به گرایش های مبارزاتی را مورد توجه خود قرار داد. بی تردید حادثه ۱۱ سپتامبر نقطه عطفی در تاریخ تحولات معاصر است. قرائت خشن و متحجرانه از سنت نبوی و برداشت های ظاهری از آیات قرآن، را بر آن داشت که حتی برای مخالفان فکری و سیاسی خود نیز تعیین تکلیف کنند و رسالتی فراتر از قد و اندازه خود در نظر بگیرند. این جریان فکری خود را به افغانستان محدود نکرد، بلکه برای خود مسئولیت اشاعه تعالیم اسلام مبتنی بر قرائت سلفی به سایر کشورهای

منطقه را در نظر گرفته بود. این گروه ضمن اختلاف نظر با سایر گروه‌های سنی، سرسختانه نسبت به شیعیان کینه می‌ورزید و به همین خاطر به مراتب سیاستی خشن در قبال شیعیان به کار می‌برد (عباس زاده، فتح آبادی، ۱۳۸۸: ۱۱۹).

شاخصه‌های جریان‌های سلفی - تکفیری

در تعریف عملیاتی از مفهوم سلفی‌گری می‌توان آن را مقوله‌ای دارای مراتب دانست که در عالم خارج، طیف وسیعی از سلفی‌گری «سنتی» و «معتدل» تا «سلفی‌گری افراطی» را در بر می‌گیرد. در واقع، امروزه جریان‌های سلفی واژه «سلف» را مصادره به مطلوب کرده و حتی مفهوم «اهل سنت» را عمدتاً در تقابل با «شیعیان» به کار می‌برند. بنابراین ضمن هشدار درباره یکسان‌انگاری «سلف‌گرایی» و «سلفی‌گری» و تأکید بر تمایز بین «جریان‌های سلفی‌گری» با «اهل سنت» و «فرق اسلامی» حد فاصل اینها را باید در میانی و ایده‌های پایه‌ای جستجو کرد (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۹۹ - ۹۸). سلفی‌گری به جریانی اطلاق می‌شود که در حوزه روش‌شناسی نقل‌گرا، در حوزه معرفت‌شناسی حدیث‌گرا، در حوزه هستی‌شناسی حس‌گرا و در حوزه معناشناسی ظاهرگرا است. اگر این چهار متغیر در یک فرد شکل گرفته شود وی را می‌توان سلفی نامید. به عبارت دیگر اندیشه سلفی همیشه عقل‌ستیز و کاملاً ارتجاعی است و در شمول مذاهب چهارگانه اهل سنت نیست (علیزاده، ۱۳۹۱: ۱۴۰). از طرف دیگر تفکر سلفی - وهابی را دو شکل رسمی - دولتی مورد نظر عربستان سعودی و سلفی - وهابی جهادگر که تفکر غالب در سازمان القاعده است، شکل می‌دهد. احتمال می‌رود شکل رسمی آن تحت شرایط خاص منطقه‌ای و جهانی به اعتدال بیشتری گرایش پیدا نماید. این تفکر می‌تواند به قدرت از زاویه حفظ آن برای سلطنت عربستان سعودی نگاه کند و به جای مقابله با اندیشه‌های غالب جهانی تحت عنوان «دموکراسی لیبرال» غرب کنار بیاید. ولی تفکر وهابی - سلفی جهادگر القاعده‌ای نمی‌تواند با غرب کنار بیاید. وهابی‌ها که تنها یک درصد از جمعیت مسلمانان را تشکیل می‌دهند آن گونه که تصویر می‌شود، خشن نیستند، بلکه فقط محافظه کار و بنیادگرا هستند. آنها عموماً کشتار انسان‌های بی‌گناه را مجاز نمی‌دانند، تنها گروهی که به این امر معتقدند، سلفی - تکفیری‌ها هستند که اقلیت بسیار کوچکی را در بین جنبش بزرگ سلفی‌ها تشکیل می‌دهند (کشاوری، ۱۳۹۱: ۱۳۲).

برخلاف سنت گرایان که اذن جهاد را تنها از سوی علما و پس از مشاوره با دیگران مجاز می‌دانستند و برای آن شرایط سختی قائل بودند، نوین‌دگرایان {سلفی - تکفیری‌ها} مفهوم جهاد را عوامانه کرده و آنرا به ابزاری کارآمد برای مبارزه علیه دشمنان خود در درگیری با دولت‌ها تبدیل کرده‌اند. رهبران نوین‌دگرایی که دارای صلاحیت و درجه علمی علمای سنی نیستند برای خود صلاحیت صدور حکم جهاد قائل شدند که جهاد یک واجب مورد غفلت قرار گرفته است. تفاوت دیگر اینکه سنت گرایان، جهاد اکبر که مبارزه‌ای نفسانی بود را مهمتر از جهاد اصغر می‌دانستند ولی نوین‌دگرایان آنرا برعکس نمودند (Roy, 2003: 89). مساله «اصالت ظواهر» در بین سلفی - تکفیری‌ها نوعی ابزارگرایی ناشی از تقدم عمل بر نظر را در نظام فکری این جریان باز می‌نماید که با ایده‌های ماکیاولیستی همخوانی دارد. به طوری که جریان‌های سلفی - تکفیری، برای رسیدن به هدف، تمام راههای غیر مشروع را پیشنهاد می‌کنند (پورفرد، ۱۳۸۶: ۱۵). به عنوان مثال، آنها با استناد به افول اقطاب سلفی مانند ابن تیمه، اعمال غیر شرعی، نظیر «دروغ» و «اخذ مال حرام در همه اشکال آن» را جایز می‌شمارند. جریان سلفی - تکفیری با تکیه بر این میراث تاریخی و با الهام از انگاره پردازی‌های خویش، گسترده‌ترین شبکه تروریستی در جهان را سازماندهی کرده که بدلیل بهره‌گیری از اشکال مختلف خشونت ورزی، نظیر « تروریسم انتحاری»، نماینده شاخص تروریسم نوین در دوران معاصر به حساب می‌آید (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۰).

تاثیر منفی سلفی - تکفیری‌ها بر روند اسلام‌گرایی

جریان‌های تکفیری از دو بعد اساسی منجر به به یک چالش اساسی فراروی اسلام‌گرایی خواهند شد: نخست قطبی سازی جوامع اسلامی و دیگر کاهش جذابیت اسلام‌گرایی به دلیل رفتارهای متحجرانه و خشونت‌آمیز جریان‌های تکفیری.

۱. قطبی سازی جوامع اسلامی

رشد جریان‌های سلفی - تکفیری با حمایت دولت‌هایی مانند عربستان سعودی و قطر در راستای اهداف استراتژیک خویش در منطقه منجر به یک منازعه مذهبی در قالب تقابل شیعه - سنی شده است در بحران‌های کنونی و کشتارهای خونین شیعیان بدست گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق این امر عینیت یافته است. حساسیت روی هویت و ترمینولوژی

شیعی، از جمله بارزترین نقاط اشتراک طیف‌ها و گرایش‌های مختلف سلفی‌گری است. با این تفاوت که طیف معتدل آن، شیعیان را «مسلمانان منحرف و بدعت‌گذار» می‌نامند که احياناً «جوامع سنی در معرض تهدید و هجمه آنها قرار می‌گیرند، اما طیف افراطی سلفیون، بی‌واهمه تشیع را «دین خود ساخته» می‌خوانند (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۷). زبان و ادبیات ایدئولوژیک سلفی‌گری در این باره نظام نشانه‌شناسی است که تحلیل‌گفتمان زرقاوی و یا آثار دیگر نظیر کتاب عبدالرحمن عطیه‌الله از نظریه پردازان و چهره‌های شاخص القاعده، نمودار آن است: «شیعه نه تنها از مارقین و خارجین از امت است، بلکه متعلق به دین خود ساخته‌ای است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است». این تصویرسازی ضد ایرانی و ضد شیعی با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگ، همه روزه در عراق رو به گسترش است. به ویژه پس از سال ۲۰۰۳ که از نظر سلفی‌ها، عراق از دست «اسلام راستین» خارج شده و به دست «رافضان شیعه» افتاده است. (سید نژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

در واقع، تنش در روابط عربستان سعودی با ایران در ۱۹۷۹ بعد از خلع شاه از قدرت شروع شد. اهداف ایران بعد از انقلاب ۱۹۷۹ بر محور صدور انقلاب، موجب نگرانی کشورهای منطقه و به خصوص پادشاهی عربستان سعودی شد. زیرا هر گونه صعود و پیشرفت نهاد انقلابی ایران در منطقه می‌توانست پادشاهی‌های دولت‌های خلیج فارس را به خطر بیندازد. از دیدگاه عربستان، ایران همیشه در این رویا بوده که رهبر معنوی جهان اسلام باشد. در همین راستا ما شاهد یک حمایت قوی و واضح عربستان سعودی از اعتراض‌کنندگان سنی در منازعه‌های سوریه، لیبی و یمن (Al Jazeera Center for Studies, 2013: 3) و همچنین جریان‌های تکفیری در بحران‌های اخیر سوریه و عراق بر علیه شیعیان هستیم.

در واقع رهبران عربستان سعودی و قطر باور دارند که روی کار آمدن یک رژیم سنی در سوریه و عراق می‌تواند، قدرت شیعیان منطقه را که به ایران نزدیک هستند محدود و در نتیجه وزن استراتژیک منطقه‌ای آنها را در مقابل ایران که در دهه گذشته از افزایش قابل توجهی در منطقه برخوردار شده است، افزایش دهد. در واقع برای دولت‌های عربستان سعودی و قطر شورش‌های اخیر فرصتی در راستای خارج نمودن سوریه و عراق از صف

متحدین ایران و در نقطه مقابل افزایش نقش منطقه‌ای آنها در شرق مدیترانه در راستای تغییر موازنه به نفع خود و به ضرر ایران، است (Hassan, 2013: 17-18). در همین راستا عربستان سعودی سعی در تقویت و حمایت‌های مادی از جریان‌های سلفی - تکفیری از جمله داعش (دولت اسلامی عراق و شام)، النصره و غیره نموده که همین امر می‌تواند یک جنگ مذهبی در منطقه به وجود آورد و در نتیجه اسلام‌گرایی در جهان را با یک چالش اساسی مواجهه نماید. به عبارتی، درگیری میان گروه‌های مختلف در جهان اسلام و منطقه (بخصوص میان گروه‌های تکفیری و شیعه) که متأثر از تحریک عربستان سعودی و قطر است، تا حدود زیادی به رشد اسلام‌گرایی ضربه خواهد زد. زیرا در نهایت به جای اینکه گروه‌های اسلام‌گرا بتوانند به یک اتحاد منسجم در راستای تاثیر گذاری بر تحولات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام برسند، در یک منازعه طولانی فرو خواهند رفت، و همچنین به جای اینکه اسلام‌گرایی به عنوان یک جایگزین در مقابل الگوی لیبرال دموکراسی مطرح باشد، به دلیل منازعه‌های مذهبی خود به چالش تبدیل خواهد شد.

۲. کاهش جذابیت اسلام‌گرایی

از دید سکولارهای غربی دین از سیاست جدا بوده و در نتیجه هر گونه حضور و دخالت دین در عرصه سیاسی امری ناپه‌نجان، منفی و ارتجاعی تلقی می‌شود. با تهاجم همه جانبه غرب به جهان اسلام و شکل‌گیری مقاومت اسلامی در برابر آن، غربیان برای ناپه‌نجان و ارتجاعی نشان دادن مقاومت اسلامی از واژگانی با بارمعنایی منفی چون بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی استفاده کردند (بهروز لک، ۱۳۸۶: ۲). رشد جریان‌هایی تکفیری بخصوص در طی چند سال اخیر، فرصتی بی نظیر برای بهره برداری غربی‌ها بر علیه اسلام‌گرایی و نشان دادن چهره‌ای خشن از اسلام به وجود آورده است. در واقع آنچه موجب فراهم نمودن زمینه کاهش جذابیت اسلام به عنوان یک جایگزین در مقابل الگوی لیبرال - دموکراسی شده است، اصول اعتقادی سلفی - تکفیری بر مبنای زیر است:

رد قواعد جهاد: به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان، جهاد در اسلام وقتی واجب می‌شود که سرزمین‌های اسلامی مورد تهاجم و تهدید قرار گیرد (جهاد دفاعی). جهاد همچنین دارای قواعد

خاص خود از جمله عدم کشتار غیر نظامیان است. تکفیری‌ها به هیچ کدام از این قواعد پایبند نبوده و کشتار مردم بی گناه را نیز مجاز دانسته‌اند. به عنوان مثال «گروه مسلح اسلامی» الجزایر که تکفیری است، در جنگ‌های داخلی آن کشور از کشتار ده هزار انسان بی گناه حمایت کرد، اما گروه «جبهه آزادی بخش اسلامی» که سلفی است، فقط کشتار افراد دولتی را مجاز دانست.

رد حرمت خودکشی: در اسلام، مسیحیت و یهودیت، خودکشی گناه نابخشودنی محسوب می‌شود درحالی که تکفیری‌ها خودکشی برای کشتن دشمنان خدا را شهادت می‌دانند. از نظر آنها افرادی که به اقدامات انتحاری دست می‌زنند، شهید هستند و مستقیماً وارد بهشت می‌شوند.

تروریسم: تکفیری‌ها برای کشتن دشمنان خدا تروریسم را مجاز می‌دانند (کشاورز، ۱۳۹۱: ۱۳۱ - ۱۳۲). در همین راستا علی رغم مخالفت گروه‌های اسلام‌گرا با تروریسم، شاهد مترادف دانستن جریان‌های اسلام‌گرا با تروریسم در ادبیات سیاسی غرب هستیم. روزنامه واشنگتن پست در یک گزارش از اقدامات خشونت طلبانه گروه‌های تکفیری، یک چهره مخدوش و ناهنجار از مسلمانان و اندیشه‌های دینی مسلمانان «با عنوان گردن زدن و خشونت وحشتناک» نشان داد. در گزارش دیگر نیویورک تایمز با عنوان «نبردهای خونین گروه‌های خشونت طلب اسلامی در عراق» از این اقدامات به عنوان یک اقدامات عجیب در قرن بیست و یک (Nytimes. com/, JUNE 13, 2014) یاد نموده و این جریانات را ادامه روند رشد گروه‌های اسلام‌گرایی در منطقه تعبیر می‌نماید. از طرف دیگر این درگیری‌ها زمینه تفرقه اندازی غرب بین گروه‌های اسلامی و حتی پیوند استراتژیک با بعضی از این گروه‌ها را فراهم خواهد آورد. حمایت همه جانبه غرب از مخالفین در سوریه، مدعایی بر این امر است.

بخش چهارم: راهکارها

۱. دیپلماسی ارتباطات میان گروه‌های اسلام‌گرا و نقش سازنده نهاد تقریب مذاهب

ارتباطات گسترده میان گروه‌های اسلامی در قالب نشست‌ها، کنفرانس‌های عمومی و تخصصی و همچنین نشست کشورهای اسلامی تا حدود زیادی می‌تواند رشد جریان‌های تکفیری در جهان اسلام و منطقه را کاهش دهد. این نشست و کنفرانس‌ها در سطح گروه‌ها و کشورهای اسلامی، از دو جنبه می‌تواند مثمر ثمر باشد. در ابتدا، گردهمایی گروه‌ها و کشورهای

اسلامی می‌تواند منجر به درک خطر جریان‌های تکفیری و همچنین عمق تاثیر این جریان‌ها بر ثبات منطقه‌ای و جهانی شود. در مرحله بعد با گسترش ارتباطات، دیدگاه و رویکردهای این گروه‌ها و کشورهای اسلامی در قبال خطر جریان‌های تکفیری به هم نزدیک خواهد شد. البته در این زمینه با توجه به اختلافات عمیق کشورهای منطقه با یکدیگر و به خصوص فعالیت‌های عربستان سعودی در راستای کاهش نفوذ استراتژیک ایران در منطقه، رسیدن به یک توافق اساسی سخت و دشوار است. همانطور که ذکر شد، حمایت‌های عربستان از جریان‌های تکفیری در سوریه و عراق از منابع مهم فعالیت این گروه‌ها محسوب می‌شود. نهاد تقریب مذاهب که وظیفه اصلی اش نزدیکی مذاهب اسلامی به هم بخصوص در طیف‌ها و مسائل بین‌المللی در راستای رفع چالش‌ها است، می‌تواند یک نهاد پیشرونده محسوب شود. همچنین انتقال کانون توجهات گروه‌ها و کشورهای اسلامی از منازعه‌های سوریه و عراق به حملات کنونی اسرائیل بر علیه نوار غزه، می‌تواند تاثیر فزاینده‌ای در مقابله با رشد جریان‌های تکفیری داشته باشد که این امر نیاز به یک دیپلماسی رسانه‌ای قوی دارد. در عصر حاضر، ارتباطات و تبادل ارتباطی در راستای اهداف استراتژیک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تبادل ارتباطی فرآیندی است که از طریق آن بازیگران تفاسیر و تلقی‌ات خود از امور و پدیده‌های جهانی را به یکدیگر انتقال می‌دهند. اهمیت تبادل ارتباطی از این رو است که بازیگران را قادر می‌سازد تا باورهای ذهنی و جهان بینی شخصی را به اطلاعات عمومی بدل کنند زیرا یک باور و تفکر شخصی تنها زمانی که از طریق ارتباطات به اطلاعات عمومی تغییر شکل دهد، می‌تواند آن شانس را داشته باشد که به عنوان یک حقیقت اجتماعی و بخشی از فرهنگ - واقعیت مطرح گردد. در نتیجه، غلبه و چیرگی طرز فکر یک بازیگر بر دیگران بستگی به استراتژی ارتباطی وی دارد. یعنی اینکه او در مقام گوینده چگونه تفسیر خود را از مجرای تبادل ارتباطی برای شنوندگان بیان می‌کند. بر این اساس اینکه گوینده چگونه سخن می‌گوید اهمیت به مراتب بیشتری دارد از اینکه گوینده چه کسی است، چه می‌گوید و برای که می‌گوید (Bially, 2007: 106-107). در همین راستا برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های تخصصی و عمومی بین گروه‌های و کشورهای اسلامی، شکل‌گیری اتاق‌های فکر و شبکه‌های گسترده اجتماعی مجازی (رادیو، تلویزیون و سایت‌های اینترنتی و غیره) بر علیه جریان‌های تکفیری و همچنین به کانون توجهه آوردن حمله اسرائیل به غزه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. مقابله قاطعانه نظامی با فعالیت جریان‌های تکفیری

جریان‌های تکفیری که امروزه در قالب گروه‌هایی همچون داعش و النصره ثبات منطقه‌ای و بخصوص امنیت مردم در سوریه و عراق را با تهدید جدی مواجهه نموده است، در کنار حمایت از سوی بازیگرانی همچون عربستان و قطر ریشه در ناتوانی دولت‌های مزبور در کنترل فعالیت‌های تکفیری‌ها دارد. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران و متحدین استراتژیک‌اش در منطقه باید از روش‌های مختلف از جمله جنگ نیابتی در تقابل با گروه‌های تکفیری، به سرکوب این گروه‌ها اقدام نمایند. در صورت از میان رفتن این گروه‌ها تا حدود زیادی از توان این گروه‌های تروریستی در راستای اهداف خویش در منطقه کاسته خواهد شد. از طرف دیگر با محو شدن این گروه‌ها تمایز بین گروه‌های اسلام‌گرای جهان اسلام و رفتارهای خشونت‌طلبانه این جریان تکفیری در افکار عمومی جهان و جهان اسلام مشخص خواهد شد و در نتیجه تا حدودی زیادی از توان تبلیغات منفی بر علیه اسلام‌گرایی کاسته خواهد شد. به عنوان مثال راهکار ج.ا. ایران در سوریه (کمک معنوی به دولت اسد در مقابل تکفیری‌ها) که تا حدود زیادی در پیشروی تکفیری‌ها موفق بوده در بحران کنونی عراق مفید به نظر خواهد رسید.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش آسیب‌های جریان‌های تکفیری مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این نوشتار بر این مبنا است که جریان‌های تکفیری از دو بعد اساسی اسلام‌گرایی در جهان اسلام و منطقه را با چالش مواجهه خواهند نمود. نخست قطبی‌سازی جوامع اسلامی و دیگر کاهش جذابیت اسلام‌گرایی به دلیل رفتارهای متحجرانه و خشونت‌آمیز جریان‌های تکفیری. در بعد نخست، این جریان‌های تکفیری می‌تواند به قطبی شدن جوامع اسلامی بخصوص در منطقه در قالب تقابل شیعه و سنی شود. در واقع، بازیگران منطقه‌ای به خصوص عربستان سعودی و قطر در تقویت این جریان‌های تکفیری در راستای اهداف استراتژیک شان یعنی کاهش نفوذ ج.ا. ایران در منطقه با شعار خطر هلال شیعی، از نقش ویژه‌ای برخوردار هستند. این رقابت‌های استراتژیک و حمایت آنها از جریان‌های تکفیری، می‌تواند منجر به یک جنگ مذهبی در منطقه و در نتیجه

تاثیر بازدارنده‌ای بر رشد اسلام‌گرایی خواهد داشت. از نمونه‌های عینی این مفروض می‌توان به درگیری‌های خونین میان گروه‌های مختلف در سوریه و عراق اشاره نمود. از طرف دیگر، رفتارهای متحجرانه و خشن گروه‌های تکفیری در منطقه تا حدود زیادی می‌تواند از جذابیت الگوی اسلام‌گرایی به عنوان یک جایگزین برای لیبرال دموکراسی در جوامع اسلامی بکاهد. بعد از شروع فعالیت‌های جریان‌های تکفیری و رفتارهای خشن این گروه‌ها، رسانه‌های غربی اسلام‌گرایی را در متن این جریان‌های تکفیری تفسیر نموده‌اند و توانسته‌اند تا حدود زیادی به مقایسه این جریان‌های تکفیری با الگوی لیبرال دموکراسی مد نظر خویش بپردازند. این پژوهش در راستای رفع چالش‌های رشد جریان‌های تکفیری فراروی اسلام‌گرایی، راهکارهایی ارائه نموده است که در قالب دو راهکار دیپلماسی ارتباطات گسترده میان گروه‌های و کشورهای اسلامی و نقش سازنده نهاد تقریب مذاهب و مقابله قاطعانه نظامی با فعالیت جریان‌های تکفیری قابل بررسی است. در واقع ارتباطات گسترده میان گروه‌های و کشورهای اسلامی، می‌تواند زمینه یکسان‌سازی دیدگاه این گروه‌ها و کشورها را درقبال خطر رشد این جریان‌ها فراهم نماید. در همین راستا کارکرد نهادهای تقریب مذاهب و کاهش اختلافات استراتژیک میان کشورهای اسلامی و انتقال توجهات به طرف منازعه اسرائیل - مسلمانان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از طرف دیگر برخورد نظامی با این گروه‌ها از طرق مختلف می‌تواند تا حدود زیادی از گسترش فعالیت این گروه‌ها در منطقه و جهان اسلام جلوگیری به عمل نماید.

منابع

فارسی

۱. اسپوزیتو، جان، (۱۳۸۹)، جنبش‌های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه‌ی شجاع احمدوند، تهران، نشر نی.
۲. بهروزلک، غلامرضا، (۱۳۸۶)، «اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی معاصر»، پگاه حوزه، شماره‌ی ۲۰۹، خرداد.
۳. بهروزلک، غلامرضا، (۱۳۸۶)، جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.

۴. پورفرد، مسعود، (۱۳۸۶)، «جهان اسلام و ادیکالیسم افراطی»، نشریه پگاه حوزه، ش ۲۰۴.
۵. جمشیدی راد، محمد صادق و محمود پناهی، سید محمد رضا (۱۳۹۱). «مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۵، زمستان.
۶. جمشیدی، محمدحسین، (۱۳۸۴)، اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی، تهران، پژوهشکده‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۷. حسینی‌زاده، محمدعلی، (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید.
۸. حیدری، محمد شریف، (۱۳۸۹)، «سلفی‌گری نوین در تقابل با راهبرد وحدت اسلامی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، مسلسل ۵۰، زمستان.
۹. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۵)، صحیفه‌ی امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۱۰. رواء، الیویه، (۱۳۷۸)، تجربه‌ی اسلام سیاسی، تهران، مرکز انتشارات بین‌المللی صدرا.
۱۱. سعید، بابی، (۱۳۷۹)، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه‌ی غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران،
۱۲. سعید، بابی، (۱۳۷۹)، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه‌ی غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران.
۱۳. سید نژاد، سید باقر، (۱۳۸۹)، «سلفی‌گرایی در عراق و تاثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، بهار، مسلسل ۴۷.
۱۴. صفی، لو آی. م.، (۱۳۸۰)، چالش مدرنیته: جهان عرب در جست‌وجوی اصالت، ترجمه‌ی احمد موثقی، تهران، نشر دادگستر.
۱۵. عباس زاده فتح‌آبادی، مهدی، (۱۳۸۸)، «بنیادگرایی اسلامی خشونت (با نگاهی بر القاعده)»، فصلنامه سیاست، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان.
۱۶. علیزاده موسوی، سیدمهدی، (۱۳۹۱)، «جریان‌شناسی سلفیان و وهابیت و نقش آنان در جهان اسلام»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
۱۷. کپل، ژیل، (۱۳۸۲)، پیامبر و فرعون، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
۱۸. کشاورز، حیدر، (۱۳۹۱)، «تاثیر سلفی‌گری منطقه‌ای بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان.

انگلیسی

19. Bially, Mateern Janice, (2007), **Why Soft Power isn't so soft: Representational Force and Attraction in World Political**, in Power in World Politics, Edited by Felix Berend&M. J. Williams, Politics,London&New York: Routledge.
20. Ehteshami, Anoushirvan, (1994), Islamic fundamentalism and political Islam in: Brain white, Richard Little and Michael smith (ed) Issues in world polities, Macmillan press.
21. Hassan, Hassan, (2013), "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists", in: The Regional Struggle for Syria, edited by Julien Barnes - Dacey and Daniel Levy, The European Council on Foreign Relations.
22. Roy, Oliver, (2003), "Afghanistan: Two Years After fall Of Taliban", Interview with Oliver Roy. **Terrorism Monitor**. vol. 1,issue. 6, (special issue), november20.
23. Zeidan, David, (2001), "The Islamic Fundamentalist Veiw Of Life As A Perennial Battle", **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 5, No.4 (December 2001).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی